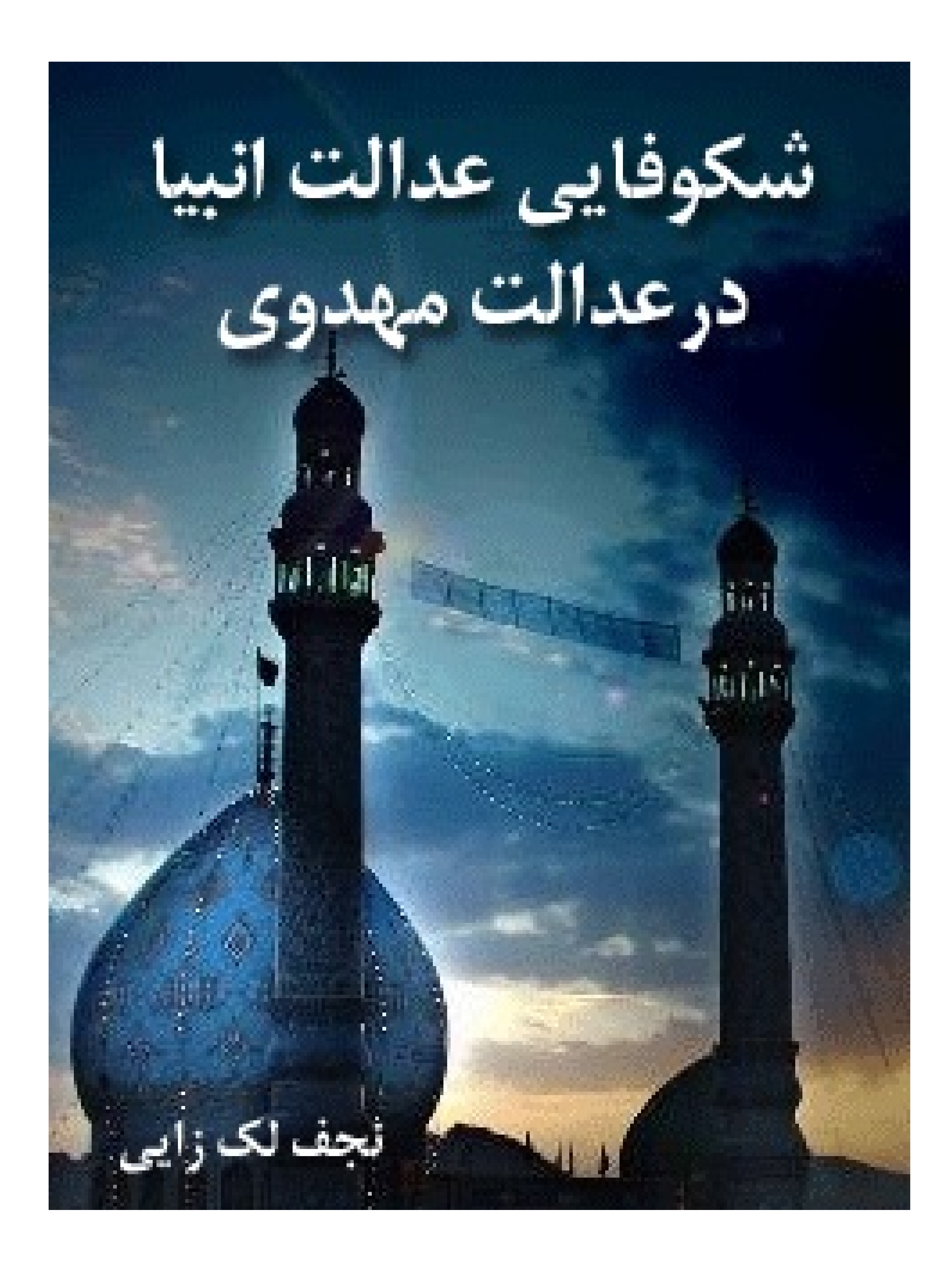

شکوفایی عدالت انبیا
در عدالت مهدوی
نجف لک زایی


بسم الله الرحمن الرحیم

شکوفایی عدالت انبیا در عدالت مهدوی

نویسنده:

نجف لک‌زایی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شکوفایی عدالت انبیا در عدالت مهدوی

مشخصات کتاب

نویسنده : نجف لک زایی

ناشر:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

اشاره

«به زیستن» که از آرزوها و دغدغه‌های همیشگی بشر بوده است، اقتضاء است و الزامات بسیاری دارد.پذیرش زندگی اجتماعی، نظم و قانون از شرایط لازم چنین دغدغه‌ای است، اما تأمین کننده دغدغه مذکور نیست. عادلانه بودن زندگی اجتماعی، نظم و قوانین، سیاست‌ها، عملکردها و نهادها و تعیین معیارها و سازکارهای رسیدن به عدالت از دیگر شرایط مؤثر در تأمین خرسندی و رضایت انسان از زندگی خویش است.در مقاله حاضر بر این مطلب استدلال شده است که تأمین خرسندی حقیقی انسان در گرو حرکت بر «صراط مستقیم» یعنی راه انبیا، اوصیا و اولیای الهی و اجتناب از جریان‌های «مغضوبین» و «ضالین» است.خداوند متعال از روی لطف، تمامی ابزارهای لازم برای انتقال از وضعیت «زیستن» به «به زیستن» و «سعادت» حقیقی را در اختیار بشر قرار داده است، اما بسیاری از انسان‌ها شکر نعمت به جا نیاورده، دچار غضب الهی شده‌اند.رهبری الهی و قوانین عادلانه از مهم‌ترین نعمت‌های خداوند برای انسان است اما ناسپاسی انسان باعث شد محروم از عطر حضور شود.روزی که بشر از غیر خود ناامید شد و انتظار ظهور در سطح جهانی محقق گشت، نوبت شکوفایی عدالت نبوی و علوی به دست مهدی خواهد بود.بقیه الله از بین برنده نظم ظالمانه و برقرار کننده نظم عادلانه است. نظمی که شاخص‌های اساسی آن قوانین عادلانه، نهادها و ساختارهای عادلانه، عملکردهای عادلانه، کارگزاران عادل و رهبری عادل خواهد بود. اگر عدالت حاکم بر تکوین ناشی از عدالت ذات ربوبی است، عدالت حاکم بر جامعه انسانی نیز تنها می‌تواند منبعث از رهبری الهی و قوانین وحیانی باشد.

مقدمه

دغدغه انسان برای فراتر رفتن از «زیستن» به مرحله «به زیستن» او را به این نتیجه رساند که بدون تعامل و تعاون با دیگران نمی‌تواند به این هدف نائل شود، ولی زندگی اجتماعی لوازم و خواستههای دیگری را به دنبال داشت. از مهم‌ترین لوازم زندگی اجتماعی «نظم» بود. زندگی اجتماعی بدون نظم، نه تنها به تحقق اهداف جامعه انسانی کمکی نمی‌کرد، بلکه «زیستن» انسان را نیز به خطر میانداخت؛ بنابراین، «نظم» نیز از سوی انسان قائل به ضرورت زندگی اجتماعی پذیرفته شد. پذیرش «نظم»، یعنی پذیرش نابرابری؛ زیرا در هر نظمی یک فرمان دهنده قابل تصور است و یک فرمان بر، تخطی از نظم بحث ضمانت اجرای نظم را به میان آورد. بنابراین فرمان روا از قوه قهریه نیز برخوردار شد تا خاطیان از نظم، مجازات شوند.اما پرسش اساسی این بود که ملاک «نظم» چیست؟ همین جا بود که «قانون» متولد شد. قانون نیز به دنبال خود لوازم دیگری داشت. از جمله کیستی قانونگذار، مبنا و ملاک قانونگذاری، هدف قانونگذار، مجریان قانون و... تفاوت در میزان رضایتمندی از نظم موجود و لوازم و خواستههای جانبی آن سبب شد تا مفاهیم دیگری از قبیل عدل و ظلم متولد شود و سخن از دو نوع نظم، قانون، ناظم، قانونگذار و هدف به میان آید: نظم عادلانه و نظم ظالمانه. قانون عادلانه و قانون ظالمانه، حاکمان عادل و حاکمان ظالم، اهداف عادلانه و اهداف ظالمانه و....

شکوفایی عدالت انبیا در عدالت مهدوی

اشاره

بنابراین از همان آغاز تکوین زنـدگی سیاسـی و اجتماعی، موضوع و متعلق عـدالت گوناگون شد. موضوع عدالت هر چه باشد، چه نظام هستی، چه نظام سیاسـی و اجتماعی یا قانون یا شـخص، در بحث از هر یک از موضوعهای یادشده می‌توان محورهای مشترکی را دیـد. آسیب‌شناسـی وضـع موجـود نسـبت به موضـوع و متعلـق عـدالت نقطه شـروع و ارائه وضـع مطلوب نقطه میـانی و شـیوه‌ها و سازکارهـای رسـیدن به وضع مطلوب سـرانجام بحث است.با توجه به آنچه آمـد، میکوشـیم سه محور یادشـده را نسبت به برخی از مهم‌ترین موضوعها و متعلقات عدالت مورد بحث قرار دهیم. مدعای اصـلی مقاله حاضـر این است که از آنجا که عدالت در دیدگاه اسـلامی امری واقعی اسـت و نـه اعتبـاری، عـدالت مهـدوی تـداوم‌بخش رسـالت پیـامبران الهی، بـه ویژه رسـالت آنهـا نسـبت به عـدالت‌گستری است. بایـد گفت مبنای حسن و قبـح عقلی و ذاتی در مسأله ظلم و عـدل مبنای نظری ما در مقاله حاضـر است که به دلیل طولانی شـدن کلام از پرداختن به آن میپرهیزیم.بر اساس این مبنا و با توجه به آنچه در سوره حمد آمده است می‌توانیم جامعه انسانی را به لحاظ اوضاع و شـرایط عینی و از منظر میزان حساسـیت نسبت به عدالت در سـطوح و مراتب گوناگون آن در سه وضع تصویر کنیم:۱. جوامعی که بر صـراط مسـتقیم حرکت می‌کننـد؛ این جوامع از رهبری الهی، قانون الهی و اهـداف الهی بهره میبرند. مبدأ حرکت آنها و مقصد آنها نیز خداست. دغدغه پیامبران، جانشینان و اولیای الهی، حرکت انسان و جوامع انسانی در مسیر صراط مسـتقیم است. بنابراین از این نظر، رسالت حضـرت حجت (عـج) در تداوم رسالت پیامبران الهی تشویق انسان به قیام به قسط، تحقق عدالت در جمیع مراتب و سـطوح آن و نفی ظلم و ستم در همه اشکال و گونههای آن است. در واقع عدالت فقط در همین وضعیت تأمین می‌شود.۲. جوامعی که بر خلاف مسـیر الهی حرکت می‌کنند؛ کسانی که جنگ و تعارض با پیامبران، اوصـیا و اولیای الهی را در کارنامه خود دارند تلاشگران عرصه گسترش ظلم در سطوح و مراتب گوناگون آن بوده و هستند. اینان در برابر عدالت مهدوی نیز به نزاع می‌پردازند. «مغضوبین» صفتی است که خداوند به این گروه می‌دهد؛ زیرا عمداً بر خلاف عدالت و حق حرکت می‌کنند. از این رو، همچون ابلیس مغضوب درگـاه الهی هسـتند.۳. جوامعی که در گمراهی به سـر می‌برنـد و قابل هدایت هسـتند، ولی جهل آنها سبب شده است تا در مسیر عدالت گام برندارند. وصف الهی برای اینها «ضالین» است.در ادامه میکوشیم نزاع عدل و ظلم را در موضوعها و متعلقات اصلی عدالت و ظلم مورد بحث قرار دهیم.

آسیب شناسی وضع موجود

آنچه هم‌اکنون در دنیا می‌گذرد، از جنبههای گوناگون با عدالت در تعارض است. اگر حرکت بر مدار ارزش‌های غیر دینی ملاکی برای تشـخیص مسـیر عادلانه از غیر عادلانه باشد، جهان امروز در اختیار کسانی است که تمام کوشـش آنان مبتنی بر «خودمحوری» اسـتوار است. اصل «تنازع بقا» و همراه بودن «قدرت و حقیقت»، از اصولی است که پایه رفتار سیاسـی، فرهنگی و اقتصادی این افراد را تشـکیل می‌دهد. تثبیت حق «وتو» برای پنج کشور قدرتمند دنیا، حمایت از اسـرائیل، حمله به کشورها، دست‌اندازی به ثروت‌های جهـانی، اسـتخدام شـعارهایی مثـل مبـارزه با تروریزم و امثال آن در جهت تأمین منافع خود، از مهمترین مصـداقهای ظلم‌های نهادینه شـده در جهـان امروز است.می‌توانیم ظلم‌هـایی را که امروز در سـطح جهـان به چشم میخورد در حوزه رهبران، قوانین، ساختارهـا و عملکردهـا نشان دهیم. رهبران حاکم بر دنیا ویژگی‌های لازم برای رهبری را ندارنـد. خداونـد به صـراحت فرموده است که (لا ینال عهـدی الظالمین) بر این اساس، سـتمگران شایسـتگی رهبری جوامع را ندارند؛ در حالی که عمده کارگزاران سیاسـی امروز دنیا، در حال سـتمگری به خود و دیگران هسـتند. قوانین حاکم بر دنیا نیز، به دلیل این که از سرچشـمه‌های سـکولاریستی برخاسـته است در بسـیاری از جنبهها با قوانین الهی مغایرت دارد. این قوانین باعث شده است تا روز به روز فاصـله و نابرابری میان ملت‌ها و کشورهای

فقیر و غنی افزوده شود. عملکردهای ظالمانه باعث شده است تا محیط زیست به مخاطره افتد. عرصه‌های رقابت به نفع قدرتمندان است. بنابراین در حالی که در برخی از کشورها انواع بهره‌مندی‌ها رایج است، در برخی از مناطق شاهد گسترش گرسنگی، فقر و انواع بیماری‌ها هستیم. می‌توانیم بگوییم آنچه ابلیس به خداوند متعال گفت محقق شده است: (قال رب بما اغویتنی لأزینن لهم فی الأرض و لأغوینهم اجمعین).بنابراین اگر از نگاه کلان به مسائل جهان امروز بنگریم، نمی‌توانیم بگوییم عدالت در جهان امروز برقرار است. حاکمان مسلط بر جهان امروز نیز چنین ادعایی ندارند، بلکه می‌توانیم به صراحت بگوییم ظلم در جهان امروز برقرار است. ظلم در سطح رهبران و کارگزاران، ظلم در سطح قوانین و مقررات، ظلم در سطح ساختارها و نهادها و ظلم در سطح عملکردها. اگر نظامی مثل جمهوری اسلامی، یا مردمی مثل مردم فلسطین و لبنان و عراق نیز بخواهند در مقابل این ظلم‌ها بایستند، به شدیدترین شکل با آنها برخورد می‌شود.جهانی شدن، مبارزه با تروریزم، دفاع از حقوق بشر، مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی، دفاع پیشگیرانه و تأمین امنیت جهانی، شعارها و بهانه‌هایی است که در خدمت نهادینه کردن این ظلم‌ها قرار دارد. در واقع، می‌توانیم بگوییم حکومت امروز جهان در دست جریان «مغضوبین» است و جریان «صراط مستقیم» در اقلیت به سر میبرد. جریان «ضالین» نیز اسیر تبلیغات مغضوبین است.

وضع مطلوب، بنیادها و آرمانها

اشاره

بر اساس دیدگاه اسلامی و شیعی تحقق عدالت در سطوح گوناگون کارگزاران و رهبران، قوانین، ساختارها و عملکردها نیازمند آن است که انسان با استفاده از نعمت اختیار، راهی را که خداوند بزرگ پیش پای او قرار داده است برگزیند. این مسیر از طریق تصحیح جریان رهبری جهانی می‌گذرد. به عبارت دیگر، همان‌گونه که عدالت خداوندی سبب شده است تا در نظام تکوین شاهد آفرینش عادلانه باشیم، همان عدالت ایجاب می‌کند تا در نظام تشریع نیز از عدالت الهی بهره بریم. عدالت و لطف الهی در ارسال رسول و امام و کتاب برای بشر، خود را نشان داده است.(لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط).قیام مردم برای قسط در سایه رهبری رهبران الهی و عمل به کتاب و قانون الهی می‌تواند منشأ استقرار عدالت در سطوح گوناگون باشد.وضع مطلوب، که در نگاه اسلامی و شیعی در قالب حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) تحقق می‌یابد، بدان دلیل مطلوب است که عدالت را در سطوح گوناگون با خود به همراه می‌آورد؛ عدالت در سطح رهبران و کارگزاران، عدالت در سطح قوانین و مقررات، عدالت در سطح نهادها و ساختارها و تشکیلات و عدالت در سطح عملکردها. چون رهبری بر عهده امام برگزیده شده از سوی خداست و او نیز معصوم است و عالم به اقدامات عادلانه، در نتیجه، تمام فرمانهای صادر شده از این ناحیه عادلانه خواهد بود. کارگزاران منصوب از سوی امام نیز بر اساس ملاک‌های شایستگی و عدالت انتخاب خواهند شد. چون مبنای تمام عملکردها قوانین الهی است. از این جهت نیز ظلمی بر مردم روا نخواهد شد. ساختارها و عملکردها نیز چون مبتنی بر آموزه‌های دینی و رهبری الهی است بر اساس تأمین عدالت سامان خواهد یافت.نظام مطلوب و آرمانی شیعه، در مقایسه با دیگر مکاتب، به ویژه لیبرال دمکراسی و نیز نظام‌های توتالیتر و استبدادی در جنبههای گوناگون متفاوت و بلکه متعارض است. اگر ما زندگی فردی اجتماعی و سیاسی انسان را یک حرکت بدانیم، آنگاه می‌توانیم برای این حرکت، نقطه آغاز، مقصد، مسیر، راهنما و سایر الزامات و خواستههای مربوط به یک حرکت را در نظر بگیریم. تفاوت مکاتب نوعاً در تفاوت این ارکان است. برای مثال مبدأ و مقصد و راهنما در یک حرکت الهی به گونه‌ای تصویر می‌شود که در حرکت‌های سکولار پذیرفته نیست. عدالت صفتی است که هم بر حرکت خود انسان از مبدأ تا مقصد اثر می‌گذارد، هم بر نوع رهبری و راهنمایی و هم بر نوع مقررات و قوانین. خداوند بزرگ،

پیامبران، ائمه هدی (ع) و اولیای الهی هم خود عادلند، هم انسان را دعوت به عدالت می‌کنند. اگر عدالت در اسلام اگر تحقق یابد، تعالی و تعادل در درون فرد و اجتماع و نظام هستی تحقق یافته است.در اینجا به بحث کوتاهی درباره مبدأ، مقصد، راهنما و نظام سیاسی ـ اجتماعی مشروع و عادلانه از نگاه قرآن کریم می‌پردازیم.

مبدأ هستی

دو نوع نگاه به هستی سبب دو نوع نگاه به تمام پدیده‌ها، به ویژه سبب پدید آمدن دو دسته و دو نوع پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی می‌شود. دو نگاه به طبیعت، دو نگاه به انسان، دو نگاه به قانون، دو نگاه به حکومت، دو نگاه به حق، دو نگاه به هدف، مقصد و حرکت هستی، دو نگاه به غرایز، دو نگاه به اقتصاد، دو نگاه به زندگی، دو نگاه به رهبری، دو نگاه به خیر و شر و...، حاصل دو نگاهی است که درباره اصل هستی وجود دارد.نتیجه جهان‌بینی الهی پذیرش توحید است. نگاه توحیدی سبب می‌شود تا انسان از غیرخدا پیروی ننماید؛ حکومت و قوانین غیر الهی را نپذیرد و طرفدار آزادی باشد.آزادی بشر، با اصل توحید، این‌گونه محقق می‌شود که هیچ انسانی و یا جامعه و ملتی حق ندارد دیگران را از آزادی محروم کند یا برای آنها قانون وضع نماید؛ زیرا شناخت و درك انسانها ناقص است بنابراین نمی‌توانند قوانینی که ضامن سعادت و کمال انسان باشد، وضع کنند. ضمن اینکه اگر قانونگذاران انسان باشند، ممکن است منافع فردی، گروهی، قبیله‌ای و... خود را در امر قانونگذاری دخالت دهند. تنها خداوند متعال است که اطاعت از قوانین او سبب سعادت و کمال می‌شود و تنها اوست که آزادی ما را محدود می‌کند. [۱] همین مضامین در آیههای زیر مورد تأکید قرار گرفته است:اللهُ لا اِلَهَ اِلا هُوَ الحَیُّ القَیُّومُ لا تَأخُذُهُ سِنَهٌ وَ لا نَومٌ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الا َرضِ مَن ذَا الَّذِی یَشفَعُ عِندَهُ اِلا بِاِذنِهِ یَعلَمُ ما بَینَ أَیدِیهِم وَ ما خَلفَهُم وَ لا یُحِیطُونَ بِشَیءٍ مِن عِلمِهِ اِلا بِما شأَ وَسِعَ کُرسِیُّهُ السَّماواتِ وَ الا َرضَ وَ لا یَؤُدُهُ حِفظُهُما وَ هُوَ العَلِیُّ العَظِیمُ. (بقره/۲۵۵)هیچ معبودی جز الله نیست. زنده پاینده و نگهدار و نگهبان. او را چرت و خواب نمی‌رباید، از اوست، هر چه در آسمانها و زمین است. کیست که در نزد او، جز به اذن و رخصت او، شفاعتی کند؟ هر آنچه پیش روی و هر آنچه پشت سر آنها (بندگان) است، می‌داند. و آنان (بندگان) به چیزی از دانش او، مگر آن‌چه خود او بخواهد، احاطه و آگاهی ندارند. تخت قدرت و حکمرانی او بر آسمان‌ها و زمین گسترده است. و نگهبانی آسمان و زمین او را گران نمی‌آید و اوست بلندمرتبه و بزرگ.آفریدگاری و سیطره تکوینی خدا، مستلزم آن است که قانونگذاری و تشریع نیز در اختیار او باشد و همگان ملزم به تبعیت از قانون خدا باشند. دانش بی‌پایان خدا مستلزم آن است که صلاحیت تنظیم مقررات بشری در انحصار او باشد. عبودیت موجودات در برابر خدا مستلزم نفی طاغوت است. [۲] .(وَ مِنَ الناسِ مَن یَتَّخِذُ مِن دُونِ اللهِ أَنداداً یُحِبُّونَهُم کَحُبِّ اللهِ وَ الَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلهِ وَ لَو یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا اِذ یَرَونَ العَذابَ أَنَّ القُوَّهَ لِلهِ جَمِیعاً وَ أَنَّ اللهَ شَدِیدُ العَذابِ). (بقره/۱۶۵)گروهی از مردم بجز خدا به رقیبان و هماوردانی روی می‌آورند. به آنان عشق می‌ورزند، همچون مهری که باید به خدا ورزید. و مؤمنان راستین، در دوستی خدا شدیدتر و استوارترند. اگر آنان که (با سرسپردگی به غیر خدا) ستم کرده‌اند، آنگاه که عذاب را مشاهده می‌کنند، می‌دیدند که قدرت یکسره از آن خداست و عذاب خدا، سخت و سهمگین است (بی‌گمان از رفتار خود پشیمان می‌شوند).توحید، علاوه بر آنکه یك بینش فلسفی و عرفانی است، مؤمنان به آن به عنوان یك اصل زندگی‌ساز نگاه می‌کنند. توحید برای مؤمنان عقیده‌ای است که بنای زندگی اجتماعی و فردی آنها بر آن نهاده می‌شود.(قُل مَن یَرزُقُکُم مِنَ السَّمأِ وَ الا َرضِ أَمَّن یَملِكُ السَّمعَ وَ الابصارَ وَ مَن یُخرِجُ الحَیَّ مِنَ المَیِّتِ وَ یُخرِجُ المَیِّتَ مِنَ الحَیِّ وَ مَن یُدَبِّرُ الا َمرَ فَسَیَقُولُونَ اللهُ فَقُل تَتَّقُونَ). (یونس/۳۱)بگو: چه کسی آنان را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی شنوایی و بینایی‌ها را در قبضه اختیار دارد؟ و چه کسی بیرون می‌آورد زنده را از مرده و مرده را از زنده؟ و چه کسی جهان را تدبیر می‌کند؟ (در تکوین) خواهند گفت: خدا. بگو: پس چرا پروا نمی‌کنید؟ (و غیر او را به اداره امر جهان و تشریع انتخاب می‌کنید؟)و پس از چند آیه میان هدایت الهی و غیر آن مقایسه کرده، انسانها را به داوری فرا

می‌خوانـد.(قُـل هَـل مِن شُـرَکائِکَم مَن یَهـدِی اِلَی الحَقِّ قُلِ اللهُ یَهـدِی لِلحَقّ أَفَمَن یَهـدِی اِلَی الحَقِّ أَحَقُّ أن یُتَّبَعَ أَمَّن لا یَهـدی اِلا أن یُهـدی فَما لَکُم کَیفَ تَحکُمُونَ) (یونس/۳۵)بگو: از میان این شـریکان پنـداری، چه کسـی به سوی حق رهبری می کند؟ بگو خدا به سوی حق رهبری می کند. پس آیا کسـی به حق رهبری می کند شایسته‌تر است که پیروی شود، یا آنکه خود راه نمی‌یابد، مگر آنکه رهبری شود؟ پس شما را چه می‌شود؟ چگونه قضاوت می کنید.و در سوره آل عمران، خداوند به پیامبر دستور داده است که همه را به سوی خـدا بخوان:(قُل یا أَهلَ الکِتابِ تَعالَوا اِلَی کَلِمَهٍ سَوآءٍ بَینَنا وَ بَینَکُم أَلا نَعبُدَ اِلَّا اللهَ وَ لا نُشـرِکَ بِهِ شَـیئاً وَ لا یَتَّخِذَ بَعضُـنا بَعضـاً أَرباباً مِن دُونِ اللهِ فَاِن تَوَلَّوا فَقُولُوا اشـهَدُوا بِأَنا مُسـلِمُونَ) (آل عمران/۶۴)بگو ای اهـل کتاب به سوی سـخنی که میان ما و شـما برابر باشـد روی آوریـد، و آن اینکه هیـچ کس جز خدا را عبادت نکنیم و چیزی را شـریک او قرار ندهیم و هیچ یک از ما دیگری را به جای خدا، رب و سرپرست و مدبر کار خود نگیرد. پس اگر سر پیچیدند به آنها بگویید: گواه باشـید که ما تسلیم و منقاد این رویه هستیم.(یا أَیُّهَا الناسُ اعبُـدُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُم وَ الَّذِینَ مِن قَبلِکُم لَعَلَّکُم تَتَّقُونَ) (بقره/۲۱)ای انسانها، عبادت کنید پروردگارتان را با آنکه آفریـد شـما را و همه گذشـتگانتان را؛ شایـد به تقوا آراسته شوید.تقوی عمل به فرمانهای الهی در زندگی این جهان است، ولی خداونـد فرمانهای خود را چگونه در اختیار بشـر قرار می‌دهـد؟ رهبران الهی برای انجام چنین رسالتی برگزیده شده‌اند. خداوند کسانی را از جنس انسانها برگزیـد تا راه هـدایت را به انسان نشان دهند.از منظر علمای شیعه، این رهبری الهی تا پایان تاریخ جریان دارد، چنان‌که از آغاز تاریخ شـروع شده است. اولین سلسله از رهبران الهی پیامبران هستند. پس از ختم نبوت، اوصیای الهی رهبری را ادامه می‌دهنـد و در عصـر غیبت ولی اعظم الهی حضـرت حجه‌ابن الحسن المهـدی (عج)، اولیا رهبری را عهده‌دار هسـتند. نبوت، امامت و ولایت در امتداد تاریخ، جریان هدایت الهی را رقم زده و خواهند زد.

معاد و مقصد

حرکت هستی و به ویژه حرکت انسـان در هستی به سوی هـدفی نهـایی چشم دارد. این هـدف نهـایی بـازگشت به محضـر خـداوند بزرگ است. سـعادت قصوی و نیز مجـازات منـاسب برای برخی جرائم تنهـا و تنها در قیامت امکان دارد. بـدیهی است فرض معاد و قیـامت و اعطـای پـاداش به نیکوکـاران و مجازات بـدکاران در فرض جهان بینی و هستی‌شناسـی الهی متصور است و الا مادیگرایان جهان را کهنه‌کتابی می‌دانند که اول و آخر آن افتاده و همه‌اش در دنیای طبیعی و مادی خلاصه می‌شود.باورداشـتن به معاد و اعتقاد به پایان الهی هستی، سـبب می‌شود تا انسان در تمام اقدامات خود خداوند و دسـتورات او را در نظر داشـته باشد و به خود و دیگران ظلم نکند و از مسـیر حق خارج نشود. ساحران، پس از آنکه به حقانیت موسی پی بردند، در برابر فرعون ایستادند و چنین گفتند:(اِنّا نَخـافُ مِن رَبِّنـا یَوماً عَبُوساً قَمطَرِیراً) (دهر/۱۰)مـا از روز قیـامت که روزی گرفته و سـیاه و دردناك است می‌ترسـیم.با یک آیه، که جـامع مراحـل هستی از آغاز تا پایان است و به عنوان جمع‌بنـدی این بحث به شـمار میرود، بحث مربوط به هستی‌شناسـی را به پایان می‌بریم.(کَیفَ تَکفُرُونَ بِـاللهِ وَ کُنتُم أَمواتـاً فَأَحیاکُم ثُمَّ یُمِیتُکُم ثُمَّ یُحیِیکُم ثُمَّ اِلَیهِ تُرجَعُونَ) (بقره:۲۸)مردم چگونه کافر می‌شوید به خدا و حال آنکه شما مرده بودید و خدا شما را زنده کرد و دیگر بار بمیراند و باز زنده کند و عاقبت به سوی او باز خواهید گشت.

هدایت و رهبری الهی

فلسـفه نیـاز انسـان به رهبری الهی و وحی این است که انسـان به تنهـایی نمی‌توانـد نیازهـای معنوی خود را برطرف نمایـد. پیـامبران آمده‌انـد تا انسان را بسازنـد. پیامبران آمده‌اند تا خدا را به انسان معرفی کنند. پیامبران آمده‌اند به انسان کمک کنند تا اسـتعدادهای خـود را از قـوه به فعلیت درآورد.لازمه اعتقـاد به رهـبری الهی و از جمله نبـوت، دخـالت در سـرنوشت اجتمـاع است، چه هـدف و مقصود پیـامبران نیز همین مسأله بوده است.به همین سبب است که اگر همه رهبران الهی و پیـامبران در یـک زمـان در یـک محلی

جمع بشوند، هیچ اختلافی و در میان آنها رخ نخواهد داد. [۳] پیامبران به دنبال شکستن کنگره‌ها و کاخ‌های ظلم، [۴] مسلط بر نفس خویش، [۵] خدمتگزار مردم، [۶] پیامبران جلوه رحمت حق تعالی بوده‌اند [۷] و ثبات قدم داشته [۸] و فروتن [۹] و ساده زیست بوده‌اند.شما می‌بینید که بزرگترین افراد بشر انبیا بودند و ساده‌ترین از همه هم آنها بودند. در عین حالی که بزرگ‌تر از همه بودند و همه آنها را به بزرگی می‌شناختند، در عین حال ساده‌ترین افراد بودند در وضع زندگی‌شان. [۱۰] .نه تنها خوبی توده‌های مردم از برکت انبیاست، [۱۱] بلکه تمام خیرات عالم اثر انبیاست. [۱۲] انبیا عهده‌دار تزکیه انسان هستند.فلسفه ارسال رسل و رهبران الهی این است که مردم از خدا پیروی کنند و از طاغوت دوری کنند. [۱۳] .در نگاه الهی سرانجام کار از آن مؤمنان و رهبران الهی است، هرچند که دشمنی ابلیس و پیروانش در طول تاریخ در مقابل خداجویان قرار داشته و دارد. [۱۴] .با ختم نبوت، رهبری الهی خاتمه نمی‌یابد، بلکه در امامت و ولایت تداوم پیدا می‌کند؛ چرا که خداوند در قرآن راه را بر هرگونه اطاعت غیرالهی بسته است.

نظام سیاسی و مسأله مشروعیت

پس از آنکه ضرورت زندگی اجتماعی برای انسان پذیرفته شد، ضرورت نظم اجتماعی مطرح می‌شود؛ زیرا زندگی اجتماعی بدون نظم، نه‌تنها به حال انسان مفید نخواهد بود، بلکه ضررهای جبران‌ناپذیری دارد. فرمانروایی سیاسی بر بستر نظم اجتماعی مستقر می‌شود. در هر فرمان‌روایی یک نوع «نابرابری» متولد می‌شود. این نابرابری که انسان‌ها را به دو دسته فرمان‌روا و فرمان‌بر، دستوردهنده و اطاعت‌کننده، حاکم و محکوم و... تقسیم می‌کند، نیازمند استدلال، استناد و توجیه است به آن‌چه نابرابری را توجیه و پذیرفتنی جلوه می‌دهد و در واقع آنچه مشکل پیروی کردن فرمان‌بران از فرمان‌روایان را حل می‌کند، «مشروعیت» است.در طول تاریخ توجیهات گوناگونی برای مسئله نابرابری سیاسی صورت گرفته است. در یک تقسیم بندی می‌توانیم از چهار نوع نظریه در باب مشروعیت یاد کنیم:۱. نظریه‌های فرادستی و فرودستی طبیعی؛۲. نظریه‌های فرمان‌روایی معطوف به شناخت خیر و سعادت؛۳. نظریه‌های فرمان‌روایی الهی؛۴. نظریه‌های فرمانروایی مبتنی بر رضایت. [۱۵] .درباره منابع مشروعیت نظریههای دیگری نیز ارائه شده است. [۱۶] که هر یک به نوعی در طبقه‌بندی پیش‌گفته یافت می‌شود. علمای شیعه در آثار خود، از مشروعیت الهی به تفصیل سخن گفته و بر درستی آن استدلال کردند. دیگر نظریههای مشروعیت از نظر این علما یا نادرست است و یا این که در مشروعیت الهی وجود دارد. برای مثال، نظریه‌های مشروعیت معطوف به شناخت خیر و سعادت در نظریه مشروعیت الهی وجود دارد؛ زیرا سعادت انسان مهم‌ترین دغدغه کسانی است که از سوی خداوند به عنوان رهبران جامعه انسانی معرفی شده‌اند. همچنین رضایت مردم در نظریه مشروعیت الهی لحاظ شده است؛ زیرا نظام اسلامی، بدون حضور و نظر مردم در عالم خارج محقق نمی‌شود.نظام‌های سیاسی سلطنتی، که مشروعیت آنها نوعاً از نوع طبیعی (ترکیبی از قهر و غلبه و وراثت و نخبگی) است، در اندیشه سیاسی علمای شیعه نفی شده است. آیههای گوناگونی بر نفی مشروعیت مبتنی بر قهر و غلبه و سلطنت و وراثت و مشروعیت‌های ناشی از غیر خدا و طبیعت انسان‌ها دلالت دارد. برخی از این آیهها را با هم مرور می‌کنیم:۱. آیاتی که مشروعیت حاکمانی چون فرعون را نقد کرده و مورد طرد و مذمت قرار داده است: [۱۷] در آیههای مربوط به صراحت مشروعیت از فرعون و پیروانش سلب و برای خدا و اهل تقوی قرار داده شده است. آیههای دیگری نیز در زمینه مشروعیت نداشتن نظام سیاسی فرعون وجود دارد. [۱۸] .۲. آیاتی که ظلم در آنها نفی شده و نیز بر تعلق نداشتن رهبری معنوی و سیاسی به ظالمان تأکید شده است.مشهورترین آیه در این رابطه آیه‌ای است که خطاب به حضرت ابراهیم (ع) نازل شده است: (قالَ وَ مِن ذُرِّیَّتِی قالَ لا یَنالُ عَهدِی الظالِمِینَ)؛ (سوره بقره،بخشی از آیه ۱۲۴)ابراهیم عرض کرد این پیشوایی را به فرزندان من نیز عطا خواهی کرد؟ فرمود: (آری، اگر عادل و صالح و شایسته آن باشند که) عهد من هرگز به مردم ستمکار نخواهد رسید».در این آیه مشروعیت مبتنی بر وراثت صرف، بدون شایستگی، نفی شده است. چون حکومت ظالمان مشروعیت ندارد، نباید مؤمنان با ظالمان همکاری داشته باشند:(فَاستَقِم کَما أُمِرتَ وَ مَن تابَ

مَعَ وَ لاـ تَطغَوا اِنَّهُ بِما تَعمَلُونَ بَصِیرٌ وَ لاـ تَرکَنُوا اِلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّکَمُ النارُ وَ ما لَکَم مِن دُونِ اللهِ مِن أَولِیاَ ثُمَّ لاـ تُنصَرُونَ). (هود:۱۱۲ و ۱۱۳)پس ای رسول ما! تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کرد (نیز پایدار باشد) و هیچ از حدود الهی تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید بصیر و داناست. و شما مؤمنان هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست باشید وگرنه آتش کیفر آنان در شما هم خواهد افتاد و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید یافت و هرگز کسی یاری شما نخواهد کرد.خداوند بر آنان که علیه مسلمانان و نظام الهی ظلم روا دارند مجازات‌های سختی مقرر کرده است. [۱۹] در زمینه نفی ظلم آیات بسیار زیادی وجود دارد که از ذکر آنها صرف‌نظر می‌کنیم. [۲۰] .۳. آیاتی که اطاعت از گذشتگان را مورد نقد و مذمت قرار داده است. محتوای این دسته از آیات دال بر این امر است که خداوند متعال اطاعت از رهبران غیر الهی را مشروع نمی‌داند.(اِنَّ اللَه لَعَنَ الکافِرِینَ وَ اعَدَّ لَهُم سَعِیراً خالِدِینَ فِیها ابَداً لا یَجِدُونَ وَلِیًّا وَ لا نَصِیراً یَومَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُم فِی النارِ یَقُولُونَ یا لَیتَنا أَطَعنَا اللهَ وَ أَطَعنَا الرَّسُولاَ وَ قالُوا رَبَّنا انا أَطَعنا سادَتَنا وَ کُبرانا فَاضَلُّونَا السَّبِیلاَ). (احزاب/۶۴ تا ۷۷)آنان در آن دوزخ همیشه معذبند و بر نجات خود هیچ یار و یاوری نخواهند یافت. در آن روز، صورت‌هاشان بر آتش همی گردد و گویند: ای کاش که ما خدا و رسول را اطاعت می‌کردیم و گویند: ای خدا ما اطاعت امر بزرگان و پیشوایان (فاسد) خود را کردیم که ما را به راه ضلالت کشیدند.در آیات دیگری از این مسأله به صورت یک سنت یاد شده است که معمولاً مردم به پیامبران الهی می‌گفتند ما دست از آنچه از پدران ما به ما رسیده است برنمی‌داریم و معمولاً در این سخن ردپای سیاستمداران غیر الهی دیده می‌شود:(وَ کَذلک ما ارسَلنا فِی قَریَهٍ مِن نَذِیرٍ اِلا قالَ مُترَفُوها اِنا وجدنا ابإنا علی امَّهٍ و انا علی آثارهم مقتدون) (زخرف/۲۳)و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آن که اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقائدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.۴. آیاتی که بر تساوی ذاتی انسان‌ها تأکید دارد، تمام مشروعیت‌های مبتنی بر طبیعت و ویژگی‌های ذاتی انسان‌ها را نفی می‌کند. پیش از این دیدگاه‌های علمای شیعه را درباره ویژگی‌های ذاتی و اکتسابی انسان‌ها در بحث مبانی انسان‌شناختی به تفصیل آورده بودیم و دوباره تکرار نمی‌کنیم و تنها به ذکر یک آیه بسنده می‌کنیم:(یا أَیُّهَا الناسُ اِنا خَلَقناکُم مِن ذَکَرٍ وَ أُنثی وَ جَعَلناکُم شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا اِنَّ أَکرَمَکُم عِندَ اللهِ أَتقاکُم) (حجرات/ ۱۳)ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق گوناگون گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بزرگوارترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.در جمع‌بندی این قسمت، به این نتیجه می‌رسیم که تمامی مشروعیت‌های غیر الهی از جانب علمای شیعه نمی‌تواند پذیرفته شود و فقط مشروعیت الهی پذیرفته شده است. بنابراین عالمان شیعی عصر صفوی نمی‌توانسته‌اند نظام سیاسی سلطنتی را مشروع بدانند.پیش از این، گفته شد که هر نظریه مشروعیتی در صدد توجیه و توضیح نابرابری سیاسی در عرصه فرمانروایی است. همچنین گفتیم که این توجیه اگر ریشه در فرامین الهی نداشته باشد، قابل قبول نیست، ولو تحقق خارجی هم داشته باشد. اینک مشروعیت مورد قبول از دیدگاه اسلامی و شیعه را بیشتر توضیح می‌دهیم.خداوند بزرگ حق حکومت را به پیامبران واگذار کرد و در واقع آنها را برای حکومت بر مردم نصب نمود. برخی از پیامبران، همچون حضرت سلیمان، حضرت یوسف و پیامبر اسلام (ص) حکومت تشکیل دادند و جامعه را بر طبق فرامین الهی اداره کردند. در واقع پیامبر اسلام (ص) هم ولایت در ابلاغ وحی داشت و هم ولایت در حوزه‌های اجرایی و قضایی. وظیفه اجرای احکام و هدایت مردم، پس از آن حضرت به امام علی (ع) و دیگر امامان (ع) منتقل شد. [۲۱] .درباره اهداف و وظایف دولت اسلامی در فصل بعدی بحث خواهیم کرد. اینک به اختصار مذکور اکتفا کرده، مستندات قرآنی زعامت سیاسی پیامبران، امامان و فقهای جامع الشرایط را ارائه می‌کنیم. ولایت فقیه، به عنوان استمرار حرکت پیامبران و ائمه (ع)، ولایتی است برخاسته از آنچه در قرآن و روایات با بیان اوصاف و شرایط قابل استنباط و استخراج است. آیاتی که بر نظام سیاسی مشروع الهی تأکید دارد، در چند نکته قابل دسته‌بندی است.۱. آیاتی که بر حقانیت و مشروعیت نظام سیاسی پیامبرانی الهی اشاره دارد:(فَهَزَمُوهُم بِاِذنِ اللهِ وَ قَتَلَ داوُدُ جالُوتَ وَ آتاهُ اللهُ المُلکَ وَ الحِکمَهَ)

(بقره/۲۵۱)پس به یاری خدا، کافران را شکست دادند و داود، امیر آنها، جالوت را کشت و خدا او را پادشاهی و فرزانگی عطا فرمود.بر طبق این آیه و صراحت نهفته در آن، منصب حکومت و سیاست از سوی خدا به داود عطا شده است.(وَ قالَ لَهُم نَبِيُّهُم اِنَّ اللهَ قَد بَعَثَ لَكُم طالُوتَ مَلِكاً قالُوا انى يَكُونُ لَهُ المُلكُ عَلَينا وَ نَحنُ أَحَقُّ بِالمُلكِ مِنهُ وَ لَم يُؤتَ سَعَةً مِنَ المالِ قالَ اِنَّ اللهَ اصطَفاهُ عَلَيكُم وَ زادَهُ بَسطَةً فِي العِلمِ وَ الجِسمِ وَ اللهُ يُؤتِي مُلكَهُ مَن يَشاء) (بقره/۲۴۷)پیغمبر آنها گفت: همانا خداوند طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند: از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی روا است در صورتی که ما به پادشاهی شایسته‌تریم. او را مال فراوان نیست. رسول در جواب آنها گفت: او از این رو به شاهی شایسته‌تر خواهد بود که خداوندش بر شما برگزیده و او را افزونی بخشیده در بسط دانش و توانایی تن و خدا مُلک را به هر که خواهد بخشد.در این آیه نیز گزارش درگیری و نزاع میان مشروعیت برخاسته از اراده الهی و مشروعیت برخاسته از تصورات غیر الهی را مشاهده می‌کنیم و این مشروعیت الهی است که از سوی خداوند مورد تأیید قرار گرفته است. حضرت سلیمان نیز قدرت و شوکت را از خداوند تقاضا کرده است:(قالَ رَبّ اغفِر لِي وَ هَب لِي مُلكاً لا يَنبَغِي لِاَحَدٍ مِن بَعدِي اِنَّ انتَ الوَهابُ) (ص/۳۵)گفت: پروردگارا، به لطف و کرمت از خطای من درگذر و مرا مُلک و سلطنتی عطا فرما که پس از من احدی لایق آن نباشد که تو بخشنده بی‌عوضی.۲. آیاتی که منصب سیاسی پیامبر گرامی اسلام (ص) از آنها استفاده می‌شود. پیش از همه آیه‌ای را ذکر می‌کنیم که در مکه نازل شده و در آن آیه پیامبر اسلام (ص) از خداوند توفیق در تشکیل نظام سیاسی و جعل ولایت سیاسی را برای خود تقاضا کرده است:(وَ قُل رَبّ ادخِلنِي مُدخَلَ صِدقٍ وَ أَخرِجنِي مُخرَجَ صِدقٍ وَ اجعَل لِي مِن لَدُنكَ سُلطاناً نَصِيراً) (اسرا/۸۰)و ای رسول ما! دایم دعا کن که بارالها (همیشه به هر جا روم) مرا به قدم صدق داخل و خارج گردان و به من از جانب خود قدرتی قرار بده که یار و مددکار من باشد.در قرآن کریم تنها یک مورد کلمه «سلطان» با «نصیر» آمده است و آن هم همین آیه است. در سایر موارد «سلطان» با کلماتی چون «مبین» به کار رفته، که به معنی «دلیل»، «بینه» و «برهان» می‌باشد. [۲۲] همچنین آیاتی وجود دارد که بر اطاعت از پیامبر گرامی اسلام (ص) در کنار اطاعت از خدا تأکید شده است:(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اولِي الامرِ مِنكُم فَاِن تَنازَعتُم فِي شَيءٍ فَرُدُّوهُ اِلَى اللهِ وَ الرَّسُولِ ان كُنتُم تُؤمِنُونَ بِاللهِ وَ اليَومِ الآخِرِ) (نسا/۵۹)ای اهل ایمان! فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) را اطاعت کنید و چون در چیزی کارتان به گفت و گو و نزاع کشد، به حکم خدا و رسول بازگردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید.علامه طباطبایی نظریه برخی از مفسران را که گفته‌اند تکرار «اطیعوا» در آیه برای تأکید است رد کرده و در این زمینه عقیده دارد که تکرار «اطیعوا» به سبب آن است که پیامبر، علاوه بر امور وحیانی که در اختیار مردم می‌گذارد و آنها را بدان‌ها امر و نهی می‌کند، اوامری نیز بر اساس صواب دید خود صادر می‌کنند که خداوند متعال با این بیان به آن اوامر مشروعیت بخشیده و دستور وجوب و لزوم اطاعت داده است. [۲۳] در این آیه همان‌گونه که مشهود است دستور به اطاعت از اولوالامر نیز در چارچوب اوامر الهی صادر شده است.در آیه دیگری بر نادرستی اعتراض به حکم خدا و پیامبر تصریح شده است:(وَ ما كانَ لِمُؤمِنٍ وَ لا مُؤمِنَةٍ اذا قَضَى اللهُ وَ رَسُولُهُ امراً أن يَكُونَ لَهُمُ الخِيَرَةُ مِن اَمرِهِم وَ مَن يَعصِ اللهَ وَ رسُولَهُ فَقَد ضَلَّ ضَلالاً مُبِيناً) (احزاب/۳۶)هیچ مرد و زن مؤمن را در کاری که خدا و رسول حکم کنند، اراده و اختیاری نیست (که رأی خلافی اظهار نمایند) و هر کس نافرمانی خدا و رسول کند، دانسته به گمراهی افتاده است.آیات دیگری نیز قابل استناد است که از ذکر آنها صرف‌نظر می‌کنیم.۳. آیات مربوط به امامت، از جمله آیه ولایت [۲۴] ، آیه تطهیر [۲۵] ، و آیه مودت. [۲۶] .رهبری الهی در عصر غیبت بر عهده فقهای واجد شرایط است؛ زیرا فقها، نایبان امام زمان (عج) هستند. این مسئله از اندیشه‌های فراگیر، حتی در میان توده مردم در عصر صفویه است. آیات فراوانی وجود دارد که بر لزوم عادل بودن کارگزاران حکومت اسلامی و امین بودن آنها و نیز عالم بودن آنها به قوانین و دستورات الهی دلالت دارد. به برخی از این آیات، اشاره می‌شود.(قالَ اجعَلنِي عَلى خَزائِنِ الارضِ اِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ) (یوسف/۵۵)[یوسف به عزیز مصر] گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که حافظ (امین) و دانایم.در این آیه بر شرط علم و دانایی تأکید شده

است.(قالَت اِحداهُما یا ابَتِ استَأجِرهُ اِنَّ خَیرَ مَنِ استَأجَرتَ القَوِیُّ الاَمِینُ) (قصص/۲۶)یکی از آن دو گفت: ای پدر! (خطاب به حضرت شعیب است) او را استخدام کن (منظور موسی است) زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که «قوی» و «امین» باشد.در این آیه به صفات امانت و قدرت تأکید شده است.(اِنَّ اللّه یَأمُرُکُم ان تُؤَدُّوا الاماناتِ اِلَی أهلِها وَ اذا حَکَمتُم بَینَ الناسِ أن تَحکُمُوا بِالعَدلِ) (نسا/۵۸)همانا خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آنها بازگردانید و چون در میان مردم داوری کنید، به عدالت حکم برانید.به نظر برخی از علما، مفهوم «حکم» که در آیه آمده است، هم شامل قضاوت، که شأن قاضی است می‌شود و هم حکومت را که شأن زمامداران است دربر می‌گیرد. برای اثبات این مدعا، به حدیثی که در مجمع البیان ذیل این آیه آمده و نیز به آیه دیگری از قرآن استناد شده است. حدیث چنین است: (امر الله الولاه و الحکام ان یحکموا بالعدل و النصفه) [۲۷] خداوند به فرمان‌روایان و حاکمان دستور داده است که با عدالت و انصاف حکم برانند.از آن‌چه آمد نکات ذیل به دست می‌آید:۱. نظام سیاسی و دولت لازمه زندگی اجتماعی و زندگی سیاسی است. زندگی سیاسی بدون نظم عمومی و فردی ممکن نیست. دولت به وجود می‌آید تا این نظم را برقرار نماید. برای برقراری نظم، لازم است کاربرد انحصاری قدرت در اختیار دولت قرار گیرد. همچنین دولت مجاز است قوانین عام و فراگیر را به مرحله اجرا بگذارد.۲. بدون پیروی انسان‌ها، دولت‌ها نمی‌توانند دوام بیاورند. لزوم پیروی انسان‌ها از دولت‌ها مشروع داشتن آن دولتها است مشروعیت توجیهی است برای اقناع فرمان‌بران از فرمان دهندگان؛ زیرا هر نوع فرمان‌روایی متضمن نوعی نابرابری سیاسی است که یک طرف آن حاکمان و فرمان‌روایان قرار می‌گیرند و طرف دیگر آن فرمان‌بران.۳. از قدیم، توجیهات گوناگونی برای فرمان‌روایی صورت گرفته است. این توجیهات در دو دسته الهی و غیر الهی قابل تقسیم است. نظریه مشروعیت اسلامی و شیعی، که مبتنی بر آموزه‌های قرآنی است، از نوع نظریه‌های مشروعیت الهی است. در این نظریه انسان‌ها هیچ‌یک بر دیگری ولایت و حق سلطه سیاسی ندارند. تنها خدا، به عنوان خالق انسان، حق ذاتی برای فرمان دادن انسان را دارد. خداوند از طریق پیامبران، امامان و فقهای واجد شرایط (شرط فقاهت و عدالت) فرامین خود را در اختیار انسان‌ها قرار داده است. رهبران الهی برای اجرای فرامین الهی، با همکاری مردم حکومت تشکیل می‌دهند. اگر مردم از رهبران الهی اطاعت نکنند و به عبارت دیگر، در جهت تحقق منویات و فرامین الهی مشارکت نکنند، رهبران الهی، باوجود این که مشروعیت الهی دارند، موفق به تشکیل حکومت دینی نخواهند شد؛ زیرا حکومت دینی دو پایه دارد: از سویی مشروعیت خود را از خدا می‌گیرد و از سوی دیگر قدرت این جامعه برای تحقق عینی وابسته به مردم است.۴. پس از تشکیل نظام سیاسی اسلامی، رهبران و مردم، هر دو گروه لازم است بر اساس قوانین الهی عمل کنند و به عبارت دیگر، آزادی رهبران و کارگزاران نظام سیاسی دینی و مردم در چارچوب حدود و مقررات الهی است و هیچ‌یک اجازه تخطی از آن را ندارند.

اهداف نظام سیاسی اسلامی

اشاره

چیستی اهداف و کارویژه‌های نظام سیاسی مورد توجه دانشمندان گرایش‌های گوناگون علوم سیاسی و نیز دانشمندان علوم هنجاری و فرهنگی بوده است. با وجود این، می‌توانیم بگوییم تأثیرگذاری برخی حوزه‌ها در تعیین اهداف و کارویژه‌ها بیشتر بوده است. مؤثرترین حوزه از دیرباز تا کنون فلسفه سیاسی بوده است؛ زیرا فلسفه سیاسی رسالت تعیین خیر و شر در عرصه نظام سیاسی را برای خود قائل است. در جهان اسلام علاوه بر فیلسوفان، متکلمان و فقها نیز در این عرصه تعیین‌کننده بوده‌اند و بلکه فقها نقش بیش‌تری داشته‌اند. در جهان معاصر، جامعه‌شناسان سیاسی نیز به صورت فعالی وارد این عرصه شده‌اند. به نظر می‌رسد دو گرایش عمده درمیان کسانی که دست به تعیین هدف برای نظام‌های سیاسی زده‌اند وجود دارد: گرایشی که دغدغه‌های ارزشی و هنجاری دارد و

گرایش دیگری که عمدتاً حالت توصیفی و غیرهنجاری دارد. نوع فیلسوفان سیاسی، فقها و متکلمان در گروه اول و اغلب جامعه‌شناسان در گروه دوم قرار می‌گیرند. روشن است که بحث ما از سنخ اول است. در عین حال اشاره‌ای به نظرات گرایش دوم می‌تواند از جهاتی به ایضاح مباحث دسته اول کمک کند.از دیدگاه جامعه‌شناسان کارکردگرا، به ویژه پارسونز، عوامل همبستگی و استمرار نظام اجتماعی چهار چیز است: ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و نقش‌ها. ارزش‌ها غایات زندگی را تعیین و رفتار و عمل افراد جامعه را به آن سمت و سو هدایت می‌کنند. چنان که خواهیم گفت، این بحث در میان فلاسفه و فقها مورد تأکید است. جامعه‌شناسان کارکردگرا به محتوای این ارزش‌ها کاری ندارند، بلکه برای آنها کارکرد ارزش‌ها، یعنی ایجاد همبستگی، مهم است. هنجارها در سایه ارزش‌ها به وجود می‌آیند و قواعد و روش‌های عمل اجتماعی را به دست می‌دهند. هنجارها در قالب نظام حقوقی هر جامعه خود را نشان می‌دهند. در حالی که حقوق‌دانان از محتوای هنجارها بحث می‌کنند، جامعه‌شناسان کارکردگرا از کارکرد اجتماعی هنجارها گفت و گو می‌کنند. نهادها تبلور ارزش‌ها و هنجارها هستند و نقش‌ها مجموعه کارویژه در درون هر حوزه از نظام اجتماعی هستند که ارزش‌ها و هنجارها را در درون نهادها اعمال می‌کنند.هر نظام اجتماعی جهت حفظ، تداوم و استمرار خود چهار کارویژه اصلی را باید انجام دهد؛ این چهار کارویژه عبارتند از: حفظ نظم و همبستگی اجتماعی؛ ایجاد همبستگی و حل منازعه؛ نیل به اهداف و انطباق با شرایط. نظام سیاسی هر جامعه‌ای همین چهار وظیفه را انجام می‌دهد. ایدئولوژی و قانون اساسی عهده‌دار انسجام‌بخشی و همبستگی اجتماعی هستند. دستگاه قضایی و قوه قضائیه حل منازعات را بر عهده دارند. نظام اداری عهده‌دار تحقق اهداف است و قوه مقننه به کمک قوای دیگر از منظر به روز کردن قواعد و قوانین، کارویژه انطباق با شرایط متغیر و جدید را انجام می‌دهد. چنان که دستگاه دیپلماسی کشور، عهده‌دار انطباق با محیط بیرونی است. [۲۸] .از منظر جامعه‌شناسان، کارویژه هر نهاد چیزی است که از عهده دیگر نهادها برنمی‌آید. بر همین اساس است که جامعه‌شناسان نهادهایی مانند نهاد حکومت، نهاد خانواده، نهاد تعلیم و تربیت، نهاد اقتصاد و نهاد دین را از نهادهای اساسی و ضروری زندگی انسان می‌دانند. [۲۹] فیلسوفان سیاسی درباره اهداف، نظر مشترکی ندارند. در حالی که فلاسفه لیبرال بر «آزادی» به عنوان هدف غایی و نهایی زندگی سیاسی تأکید دارند، [۳۰] فلاسفه سیاسی مارکسیست و سوسیالیست بر «عدالت» و جامعه بی‌طبقه اصرار می‌ورزند. [۳۱] فلاسفه سیاسی مسلمان «قرب به خدا» و «لقاء الله» را مقصد نهایی و هدف اساسی می‌دانند. [۳۲] .هدف نظام سیاسی از منظر فیلسوفان سیاسی چیزی است که تمام ارکان و نهادهای اجتماعی سیاسی را جهت می‌دهد و همه در جهت رسیدن به آن تلاش می‌کنند و نه یکی از نهادهای اجتماعی مثل نهاد حکومت.کار ویژه نظام سیاسی اسلامی آن‌گونه خدمت و وظیفه‌ای است که اگر نظام سیاسی «اسلامی» نباشد انجام نخواهد شد. از منظر علمای شیعه، کارویژه اساسی نظام سیاسی اسلام زمینه‌سازی برای تقرب به خداوند است. در واقع تمام تصمیمات و برنامه‌ها در نظام سیاسی اسلام در جهت تحقق همین هدف است. اهداف دیگری مثل اجرای احکام اسلام و یا تحقق عدالت از اهداف میانی به شمار می‌آیند. به سبب همین کارویژه است که دولت اسلامی، در مقایسه با دولت‌های سکولار و غیر دینی باید ویژگی‌هایی باشد. در اینجا به مهم‌ترین ویژگیهای آن ممیزات اشاره می‌کنیم:۱. گفته شد که در دولت دینی، رئیس دولت به اسم (مثل پیامبر و ائمه) یا به وصف (مثل فقیه جامع شرایط) از جانب خدا تعیین می‌شود؛ ولی در دولت‌های غیر دینی چنین نیست. رئیس دولت در این نظام‌ها از طریق زور، وراثت، کودتا، انقلاب، نظر بعضی از گروه‌های قدرتمند و یا رأی اکثریت مردم انتخاب می‌شود. البته دولت دینی نیز رضایت مردم را به همراه دارد.۲. منشأ مشروعیت الهی رهبر و رئیس دولت دینی ایجاب می‌کند که دولت دینی در چارچوب احکام الهی مستقر شود و عمل کند. دولت‌های غیردینی یا بر عقل و خرد بشری استوارند و یا بر خواسته‌ها و تمایلات حاکمان و یا هر دو.۳. اطاعت از حاکمان در دولت دینی واجب شرعی است.(فلا و ربک لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجاً مما قضیت و یسلموا تسلیماً) (نسا/۶۵)نه چنین است! قسم به خدای تو که اینان به حقیقت اهل ایمان نیستند، مگر آن که در خصومت و نزاعشان تنها تو را حاکم کنند و آنگاه به هر حکمی که

(به سود و زیـان آنهـا) کنی هیـچ‌گونه اعتراضـی در دل نداشـته و کاملاً از جان و دل تسـلیم فرمان تو باشـند.در حالی که اطاعت از حاکمـان غیر دینی بر مؤمنان واجب نیست و بلکه در فرض اولیه حرام است.۴. معارضه با رئیس دولت دینی عنوان «بغی»، «محاربه»، «نفاق» و... را به خود می‌گیرد و موجب عقوبت‌های شـرعی و عقاب اخروی خواهـد شد؛ بر خلاف معارضه با دولت‌های سـکولار و غیر دینی. از منظر دینی معارضه با دولت‌های ضد دینی مستلزم پاداش است.۵. قوانین دولت دینی، چون برخاسته از قرآن و احادیث است ضـامن سـعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها است بر خلاف قوانین دولت‌های غیر دینی. کتاب خـدا و سـنت معصومین (ع) اساس قوانین دولت اسلامی است.۶. مهم‌ترین دغـدغه دولت دینی اجرای شـریعت و اطمینان از رضایت خداوند متعال است. [۳۳] .تفاوت دیگری نیز می‌توان میـان بین نظـام سیاسـی مبتنی بر دین و نظام‌هـای غیر دینی برشـمرد، اما مهم‌ترین تمایز و تفاوت در باب رهبران، قـانون و اهـداف قـانون اسـت. در واقع مشروعیت الهی دولت دینی به تمـام اجزاء، ارکـان، عناصـر و محتویـات دولت دینی سـرایت می‌کنـد.بـا توجه به آن‌چه گفتیم، برخی کارها از وظایف ویژه «نهاد حکومت» است و دینی بودن یا غیر دینی بودن نظام سیاسـی در آنهـا تـأثیر مسـتقیم نمی‌گـذارد؛ از قبیـل تـأمین امنیت، حفـظ نظم، تأمین رفاه، آموزش و پرورش، حل منازعه و امثال آن. به عبارت دیگر، وظـایف حکومت‌ها دو بُعـد دارد: یکی مربوط به وظایف مادی، دنیایی و اقتصادی و معیشتی حکومت‌ها است که این مسـئله مشـترک بیـن تمـام دولت‌هـا است و نگارنـده در این پژوهش به این بخش از وظـایف و اهـداف نمی‌پردازد. بخش دیگر مربـوط به مسائل ارزشـی و معنوی است که به اعتقاد نگارنـده همین اهـداف معنوی به اهـداف مادی نیز رنگ و جهت می‌بخشـد و آنها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. این قسـمت در اندیشه علمای شیعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در اینجا برخی از مستندات قرآنی آنها به عنوان مبانی مشترک میان علمای شیعه بیان خواهد شد. مهمترین اهداف به قرار زیر است:

هدایت انسان در جهت قرب به خدا

در این بـاره آیـات زیادی وجود دارد که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:(کتابٌ انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور بأذن ربهم الی صراط العزیز الحمید) (ابراهیم/۱)قرآن کتابی است که ما آن را به سوی تو فرو فرستادیم تا مردم را از هر تیرگی و تاریکی برهانی و آنان را به نور برسانی؛ البته این رهانیـدن از ظلمت‌ها و رساندن به نور، به دسـتور و اجازه پروردگار آنان می‌باشد.(الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور) (بقره/۲۵۷)خدا ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنها را از تاریکی‌ها به سوی نور می‌برد.در آیه اول نورانی ساختن مردم را به رسول اکرم (ص) نسـبت داد و در این آیه به خـدا؛ زیرا انسان کامل، خلیفه خدا است و به اذن و اراده خـدا عمل می‌کنـد و نه به اصالت. [۳۴] .(هو الـذی بعث فی الأـمیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضـلال مبین) (حـج / ۲)اوست خـدایی که میان عرب اُمی پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات الهی را تلاوت کند و آنها را پاک سازد و شـریعت و احکام کتاب آسمانی و حکمت الهی بیاموزد با آن که پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند.(الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه و آتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر) (حـج/۴۱)آنهـا (مؤمنـان و یاوران الهی) کسانی هسـتند که هر گاه در زمین به آنها قـدرت بخشـیده‌ایم نماز را به پا می‌دارنـد و زکات را ادا می‌کننـد و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند.تعبیر به «مکناهم فی الارض» به معنی قدرت بخشـیدن به مؤمنـان در روی زمین است و بنـابراین به تشـکیل دولت و هـدف و رسـالت دولت و نظـام سیاسـی در نزد مؤمنـان اشـاره دارد. [۳۵] .(وعـد الله الـذین آمنوا منکم و عملوا الصالحـات لیسـتخلفنهم فی الارض کما اسـتخلف الـذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الـذی ارتضـی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً) (نور/۵۵)و خدا به کسانی که از شما بندگان ایمان آورد و نیکوکار گردد، وعـده فرمود که در زمین خلافت دهد (و به جای امت‌های گذشـته اقتدار بخشد) چنان‌که امم صالح پیامبران سـلف جانشـین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است) بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند

و بـه همـه مؤمنـان پس از خـوف و انـدیشه از دشـمنان ایمنی کامـل دهـد کـه مرا به یگـانگی بی‌هیـچ شـائبه شـرک و ریـا پرسـتش کننـد.همان‌طور که ملاحظه می‌نماییـد، آیه شـریفه به صـراحت یکی از ثمرات تشـکیل حکومت صالـح را عبادت خداونـد و حذف شرک دانسته است.(وَ ما خَلَقتُ الجِنَّ وَ الاِنسَ اِلا لِیَعبُدُونِ) (ذاریات/۵۶)جن و انس را نیافریدم مگر برای عبادت.اگر عبادت فلسفه آفرینش انسان است، نمی‌تواند فلسـفه تأسـیس نظام سیاسـی اسـلام نباشد.همچنین خداوند متعال در آیاتی که سرگذشت پیامبران را یـادآور شـده و سـخنان آنان را خطاب به مردمشان نقل کرده است، این پیام را از زبان همه آنها به مردمشان آورده است که:(یا قَومِ اعبُدُوا اللّه ربی وَ ربکم). [۳۶] .بنـابراین نظـام اسـلامی موظف است در جهت تقرب مردم به سوی خـدا و نفی موانع عبودیت تلاش کند.

خدمت به مردم، اجرای احکام اسلام و به ویژه تلاش برای تحقق عدالت

در این زمینه نیز آیات فراوانی در قرآن کریم آمـده است که به ناگزیر به بخشـی از آنها اشاره می‌کنیم:(لَقَد ارسَـلنا رُسُـلَنا بِالبَیِّناتِ وَ أَنزَلنا مَعَهُمُ الکِتابَ وَ المِیزانَ لِیَقُومَ الناسُ بِالقِسطِ) (حدید/۳۵)رسولان خود را با دلایل روشن ارسال کردیم و با آنان کتاب و میزان را فرو فرسـتادیم تـا مردم قسـط و دادگری به پا دارنـد.(قُل امَرَ رَبّی بِالقِسطِ) (اعراف/۳۹)[خداوند به پیامبر اسـلام (ص) دستور داده است که] بگو امر کرده است مرا پروردگارم به قسط.(فَإِذا جاء رَسُولُهُم قُضِیَ بَینَهُم بِالقِسطِ وَ هُم لا یُظلَمُونَ) (یونس/۴۷)هنگامی که پیامبرشان آمـد، بین آنان به قسط قضاوت کرده و بدان‌ها ظلمی نشد.(الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الاُمّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکتُوباً عِندَهُم فِی التَّوراهِ وَ الاِـنجِیـلِ یَأمُرُهُم بِالمَعرُوفِ وَ یَنهاهُم عَنِ المُنکَرِ وَ یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّباتِ وَ یُحَرِّمُ عَلَیهِمُ الخَبائثَ وَ یَضَعُ عَنهُم اِصـرَهُم وَ الا َغلالَ الَّتِی کانَت عَلَیهِم فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَـرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنزِلَ مَعَهُ اولئِکَ هُمُ المُفلِحُونَ) (اعراف/۱۵۷)آنان که پیروی کننـد از رسول و پیغمبر اُمی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشانش را) نگاشـته می‌یابند (که آن رسول) آنهـا را امر به هر نیکـویی و نهی از هر زشـتی خواهـد کرد و بر آنـان هر طعـام پـاکیزه و مطبـوع را حلاـل و هر پلیـد منفـور را حرام می‌گرداند و احکام پررنج و مشقتی را که (از جهل و نادانی) چون زنجیر به گردن خود نهاده‌اند، همه را برمی‌دارد؛ پس آنان که به او گرویدنـد و از او حرمت و عزت نگاه داشـتند و یاری او کردنـد و نوری را که به او نازل شـد پیروی نمودند، آن گروه به حقیقت رسـتگاران عالمنـد.ایـن آیـه، عمـده آن چیزی را که می‌خواسـتیم ارائه کنیم دربر دارد. وقـتی وظـایف پیـامبر فرمـان دادن به تمـامی نیکی‌ها و نهی از تمام بدی‌ها است، وظایف جانشینان او و وظیفه نظام اسلامی منتسب به پیامبر نیز همین موارد خواهد بود». همچنین بزرگ‌ترین خـدمت به مردم بـاز کردن زنجیرهـای جهـل و گمراهی از انـدیشه آنهـاست.(اِنَّ اللّه یَأمُرُ بِالعَـدلِ وَ الاِحسـانِ وَ اِیتاءِ ذِی القُربی وَ یَنهی عَنِ الفَحشـاءِ وَ المُنکَرِ وَ البَغیِ) (نحـل/۹۰)همانـا خـدا خلق را فرمـان به عـدل و احسـان می‌دهـد و به بـذل و عطاء خویشاونـدان امر می‌کنـد و از افعـال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کنـد.بـدیهی است این دسـتور، دسـتوری عـام است که شامل نظام سیاسی اسلامی و رهبران و کارگزاران حکومتی نیز می‌شود.

مبارزه با موانع راه خدا و تهدیدات موجود بر سر راه جامعه اسلامی

در آیات قرآن عناصـری چون طاغوت، ملأ، مترفین، احبار و رهبان از عوامل سـد راه خـدا به حساب آمده‌اند. نام‌هایی چون فرعون، هامـان و قـارون در کنار ابلیس و حمیت جاهلی و هواهای نفسانی برای کسانی که با قرآن همدمندآشـنا است. [۳۷] جنگ موسی و فرعون، همان جنگ هابیل و قابیل است و جنگ ابوسـفیان و پیامبر اسـلام (ص) همان جنگ یزیـد و امام حسـین (ع) است. چنان‌که جنـگ یزیـد و حسـینیان در تاریـخ معاصـر همان جنگ محمـدرضا پهلوی و امام خمینی صـدام و امام آمریکا و امام است. برخی از

آیات را می‌خوانیم:(وَ کَـذلِکَ جَعَلنـا لِکَلِّ نَبِی عَـدُوًّا شَـیاطِینَ الاِنسِ وَ الجِنّ یُوحِی بَعضُـهُم اِلی بَعضٍ زُخرُفَ القَولِ غُروراً) (انعام/۱۱۲)و همانند تو برای همه پیامبران دشـمنان و مخاصـمانی از شیطان‌های انس و جن قرار دادیم که بعضـی از آنها با سخنانی فریبنـده و خوش‌ظاهر و جهالت‌انگیز به بعضـی دیگر الهام می‌دهنـد.محتوای آیه همان‌طور که تاریخ گذشـته را توضـیح می‌دهد، بر وضـعیت امروز جهان ما نیز تطبیق می‌کند که رسانه‌های تبلیغاتی جهانی در شـکل‌ها و قالب‌ها و با ابزارهای گوناگون و با شعارهای زیبایی چون دفاع از حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و امثال اینها میکوشند مردم دنیا را فریب هند.(وَ لَقَد ارسَلنا مُوسی بِآیاتِنا وَ سُلطان مُبِین اِلی فِرعَونَ وَ هامانَ وَ قارُونَ فَقالُوا ساحِرٌ کَذابٌ فَلَما جاءهُم بِالحَقِّ مِن عِندِنا قالُوا اقتُلوا أَبناء الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ وَ استَحیُوا نِسأَءهُم وَ ما کَیدُ الکافِرِینَ اِلا فِی ضَـلالٍ) (غافر/ ۲۵-۲۳)همانـا موسـی را همراه بـا آیت‌هامان و با حجتی آشـکار فرسـتادیم به سوی فرعون و هامـان و قارون؛ پس گفتنـد که جادوگری دروغ‌پرداز است. چون حق را از جانب ما به آنان ارائه داد، گفتنـد: پسـران آن کسانی را که بدو ایمان آورده‌اند بکُشـید و زنانشان را زنده نگه‌دارید. دشمنی و نقشه‌چینی کافران، گمراه و بی‌اثر است.اگر موساهایی نباشند که در برابر فرعون‌ها بایستند، مردم نمی‌تواننـد ایمان بیاورنـد و اگر ایمان هم بیاورنـد، نمی‌توانند ایمان خود را حفظ کنند. بنابراین یکی از وظایف حکومت دینی و اسـلامی، که ادامه دهنـده راه پیامبران است، مبارزه با اهریمنانی است که می‌خواهنـد سـد راه خـدا باشـند.مبـارزه بـا شـرک از دیگر اقـدامات دولت اسـلامی و متـدینان است:(کـانَت لَکُم أُسوَةٌ حَسَـنَةٌ فِی ابراهِیمَ وَ الَّذِینَ مَعَهُ اذ قـالُوا لِقَومِهِم انـا بُرَآؤُا مِنکُم وَ مِمـا تَعبُـدُونَ مِن دُونِ اللهِ کَفرنـا بِکُم وَ بَـدا بَینَنـا وَ بَینَکُمُ العَـداوَةُ وَ البَغضـاء ابَـداً حَـتی تُؤمِنُوا بِـاللهِ وَحـدَهُ) (مؤمن/۲۳ تـا ۳۵)برای شـما مؤمنـان بسـیار پسـندیده و نیکوست که به ابراهیم و اصـحابش اقتـدا کنیـد که آنها به قوم مشـرک خود گفتند: ما از شـما و بت‌های شما که به جای خدا می‌پرستید به کلی بیزاریم. ما مخالف و منکر شماییم و همیشه میان ما و شما کینه و دشـمنی خواهـد بود تـا وقتی که تنهـا به خـدای یگـانه ایمان آوریـد.تمام آیاتی که پیش از این درباره امر به معروف و نهی از منکر آوردیم و نیز تمـام آیـات جهـاد و آیـات مبـارزه بـا شـرک و ظلم و بت‌پرستی در اینجا قابل استناد است که از ذکر آنها صـرف‌نظر می‌کنیم. فقـط یکی از آیـات مهم در حـوزه داخلی و یـک آیه را که محـور روابـط خـارجی امت اسـلامی است می‌آوریم.در بخش داخلی و مربوط به امت مسـلمان این آیه است که لازم است قیام ما، اگر می‌خواهیم توأم با موفقیت باشـد، لله باشد.(قُل اِنَّما اعِظُکُم بِواحِـدَهٍ أَن تَقُومُوا لِلهِ مَثنی وَ فُرادی) (ممتحنه/۴)ای رسول ما، بگو به امت که من یک سـخن شـما را پند می‌دهم (که اگر بشنوید و عمل کنیـد البته هـدایت می‌شوید) و آن سـخن این است که شـما خالص برای خدا دو نفر دو نفر با هم یا هر یک تنها در امر دینتان قیام کنیـد.خطاب این آیه عام است؛ هم شامل رهبران و کارگزاران حکومتی می‌شود و هم شامل فرد فرد مردم مسـلمان؛ ولی آیه‌ای که مبنای برخورد دولت و امت اسلامی با جهان غیر اسلامی است اصل نفی سبیل است.(لَن یَجعَلَ اللّهُ لِلکافِرِینَ عَلَی المُؤمِنِینَ سَبِیلاً) (سبا/۴۶)و خدا هیچ‌گاه برای کافران نسـبت به اهل ایمان راه تسـلط قرار نداده است.از آنچه آمد، به این نتیجه می‌رسیم که مهم‌ترین هدف پیش روی نظام سیاسی اسلام که برای رسیدن به آن حرکت می‌کند، تکامل انسان سیر الی الله و قرب به خدا است: انا لله و انا الیه راجعون. دیگر اهـداف از قبیـل حـاکمیت دین و قوانین الهی بر اجتماع، اجرای مقررات شـریعت، اسـتقرار و تحقق امنیت فردی، سیاسـی، اجتمـاعی، اقتصـادی و اخلاقی، عبادت پروردگار و نفی شـرکت و جهالت و هواهای نفسانی و خـدمت به هم‌نوعان همه و همه کمک‌کننـده به آن هـدف مهم است. چرا که هدف از ارسال پیامبران و رهبری الهی و تحقق نظام دینی تربیت و تهذیب انسان برای نائـل شـدن به مقام قرب است.(یا أَیُّهَا الاِنسانُ اَنَّک کادِحٌ اِلَی رَبِّک کَـدحاً فَمُلاقِیهِ) (نسا/۱۴۱)ای انسان تو با کوشـش و تلاش پی‌گیرت در عبادت و خدمت سرانجام نایل به ملاقات با پروردگارت خواهی شد.

شیوه انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب

اشاره

هرچنـد پیامبران، ائمه و اولیای الهی از آغاز تاریـخ تا کنون، جز در مقاطع کوتاه، توفیق به برپایی نظام عادلانه نیافته‌انـد، اما در پایان تاریـخ، بـا پیروزی حق بر باطـل و تشـکیل حکومت صالحـان به رهبری حضـرت بقیه‌الله‌الا‌عظم ـ ارواحنـا فـداه ـ نظام عادلانه محقق خواهـد شد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین ساز و کار تحقق عدالت، در تمام وجوه آن، از دیدگاه و منظر الهی آگاه کردن مردم به حق و حقیقت و رهبری الهی است تا انتظار برای ظهور امام زمان و تشکیل حکومت جهانی حضرت در سطح جهان محقق شود.با توجه به چارچوب نظری ارائه شـده در مقـدمه این پژوهش، که متخـذ از سوره حمد بود، می‌توانیم بگوییم نظام‌های سیاسـی اجتماعی که به وسیله انسان ساخته شده‌اند و یا ساخته خواهند شد، در سه مدل کلان قابل تصورند:۱. نظام‌هایی که در شکل‌گیری و استمرار خود، هیچ‌گونه تقیدی به رضایت خداوند و نیز رضایت مردم ندارند. براساس این تعریف به این نظام‌ها، نظام‌های استبدادی، دیکتاتوری، توتـالیتر و... گفته می‌شود. طبیعی و بـدیهی است که نظام‌هـای طـاغوتی، فرعونی و اسـتبدادی، متنـاسب بـا مقتضـیات زمان و مکان، می‌توانند در اشکال گوناگونی جلوه کنند.۲. نظام‌هـایی که در شـکل‌گیری و اسـتمرار خود میکوشـند رأی اکثریت مردم را با خود داشته باشند، ولی مقید به رضایت الهی نیستند و یا مقیدند که بر اساس آموزه‌های دینی کاری را انجام ندهند. طبق تعریف این دسته از نظام‌ها، نظام‌های دمکراتیک خوانـده می‌شوند.۳. نظام‌هایی که در شـکل‌گیری و اسـتمرار خود، برآنند تا رضایت الهی و رضایت مردمی را با خود داشته باشـند. این دسـته از نظام‌ها، نظام‌های سیاسـی مردم‌سالار دینی نامیـده می‌شونـد. بر اساس آموزه‌های شـیعی تحقق نظـام سیاسـی دینی سه مرحله دارد:مرحله اول شایسـتگی و لیـاقت کسـانی است که قرار است از سوی خـدا به رهبری انتخاب شونـد. هیـچ فردی تا شایسـتگی نداشـته باشـد، حکم الهی نصیب او نمی‌شود. این همان پاسـخی است که خداونـد متعال به ابراهیم فرمود: (لا ـ ینـال عهـدی الظالمین (.مرحله دوم مشـروعیت الهی است. مشـروعیت مرتبه صـدور حکم امامت جامعه از سوی خـداوند متعـال است.مرحله سوم مقبولیت مردمی است. انتخـاب و بیعت مردم سـبب می‌شود تـا رهبر مبسوط الیـد شود و بتوانـد نظام الهی را مسـتقر سـازد. اسـتقرار نظـام سیاسـی اجتمـاعی دینی، به معنی اسـقرار عـدالت نیز خواهـد بـود؛ زیرا رهـبر الهی ساختارهـا، قـوانین و کارکردهـای عادلا‌نه را می‌شـناسد.برای مثـال مراحـل سه‌گـانه را بر حکومت نبوی تطبیق می‌کنیم: پیـامبر اسـلام (ص) که در چهل سالگی به پیامبری برگزیده شد، پیش از چهل سالگی از لیاقت و شایسـتگی برخوردار بود، در چهل سالگی مشـروعیت نیز یافت، اما پس از سیزده سال فعالیت در مکه و با پیوسـتن جمعی از مردم یثرب بسط ید یافت و توانست نظام اجتماعی و سیاسـی دینی تشکیل دهـد. حکومت مهـدوی نیز چنین است. امام مهـدی (عـج) به عنوان رهبر الهی از سوی خـدا به امامت منصوب شـده است. ظهور او زمانی است که انتظار مردم برای آمـدن او در سـطح جهانی تحقق پیدا کند و این به معنای انتخاب او به وسـیله مردم و بیعت مردم با او است.علاوه بر آنچه گفته شد، به طور خاص تحقق عدالت، به عنوان هدف میانی دولت اسـلامی و مهدوی و نیز تقرب به خدا، به عنوان هدف نهایی دولت دینی، در حکومت حضرت مهدی (عج) به شیوههای زیر تسریع خواهد شد:

تأسیس حکومت واحد جهانی به عنوان مجری عدالت اجتماعی

حکومت جهـانی امام مهـدی (عـج)، با کانون هـدایت رسـمی عهـده‌دار اداره امور بشـر، در سـطح جهان است. تعارض قـدرت‌های گوناگون و نیز تشدیـد کانون‌های محلی‌گرایی و نیز رقابت بر سـر منافع ملی، که اکنون وجود دارد، در حکومت جهانی امام مهدی یافت نمی‌شود. بر تشـکیل حکومت جهانی امام مهـدی (عج) در روایات اسـلامی تأکید و تصـریح شده است. از پیامبر اسـلام (ص) نقل شده است که فرمود:سوگند به آن کس که مرا مژده آورِ راستین قرار داد، اگر از عمر جهان، جز یک روز نماند، خداوند همان یـک روز را بس درازدامن کنـد، تـا فرزنـدم مهـدی خروج کنـد [...] و حکومت مهـدی به شـرق و غرب گیتی برسـد: [۳۸] «و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب»همان‌گونه که در بخش پایانی فرمایش پیامبر بزرگ اسلام (ص) آمده است، حکومت جهانی امام مهدی (عج) حکومتی است فراگیر.

ارزش‌های مشترک جهان شمول (دین واحد) زمینه ساز تحقق عدالت

در حکومت جهانی امام مهدی (عج)، دین اسلام، به عنوان دینی فراگیر، ارزش‌های مشترك و جهان‌شمولی را در اختیار تمام انسان‌ها قرار می‌دهد. حکومت جهانی امام زمان واجد دین جهانی و ارزش‌های مشترك جهان‌شمول است. از امام باقر (ع) نقل شده است خداوند به دست مهدی، دین خویش را بر همه دین‌ها پیروز سازد، اگرچه این را بی‌دینان نخواهند. [۳۹] .همان‌طور که در قرآن کریم نیز بر همین معنا تأکید شده است:(لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون). [۴۰] .

حاکمیت معنویت و ارزش‌های اخلاقی

در حالی که دنیای کنونی از بحران معنویت در عذاب است و برای ارزش‌های اخلاقی جایگاه شایسته آن را قائل نیست و چه‌بسا گاهی تصمیمهایی برخلاف ارزش‌های اخلاقی می‌گیرند و حتی در زمینههایی همچون سیاست و اقتصاد، ارزش‌های اخلاقی را مداخله نمی‌دهند، حکومت جهانی امام مهدی حکومتی است مبتنی بر معنویت، ترویج فضایل اخلاقی و نفی رذایل اخلاقی. این مسأله از آن رو است که امام زمان فقط فرمان‌روا نیست؛ بلکه راهنما، تربیت‌کننده و هدایت‌گر مردم به سوی راستی‌ها و درستی‌ها نیز به شمار می‌رود. از امام باقر (ع) نقل شده است «به هنگام رستاخیز قائم، آنچه هست دوستی و یگانگی است». [۴۱] .

عدالت اقتصادی فراگیر

در حالی که برای «عدالت» در جهان امروز جایگاهی دیده نشده است، حکومت جهانی امام مهدی مبتنی بر عدالت فردی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. در روایات آمده است که در حکومت مهدی فقر و فقیر وجود نخواهد داشت و این از آن رو است که اموال و امکانات به درستی در میان مردم توزیع می‌شود.ابو سعید خُدری می‌گوید پیامبر فرمود: «به مهدی بشارتتان می‌دهم. او به هنگام اختلاف مردمان، از میان امت من برانگیخته می‌شود. ساکنان از آسمان و زمین از او خشنود خواهند بود. او مال را درستِ درست تقسیم می‌کند. مردی پرسید: «درستِ درست» چیست؟ فرمود: میان همه، مساوی». [۴۲] .در حدیثی دیگر آمده است «و یُسوی بینَ الناس حتی لا تَری محتاجاً الی الزکوه؛ مهدی، میان مردم، در تقسیم اموال، به مساوات رفتار می‌کند، به طوری که دیگر نیازمند و محتاجی یافت نمی‌شود. [۴۳] .

عدالت امنیتی و سیاسی فراگیر

در حالی که دنیای کنونی، درگیر جنگ و نزاع و ناامنی است و در حالی که در جوامع امروزی، امنیت متاعی همگانی نیست، در حکومت جهانی امام مهدی (عج) امنیت در تمامی جنبههای آن، امنیت فردی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و روانی برای همه وجود خواهد داشت. آن‌چه آمد، در فرمایشی از امام علی (ع) نقل شده است:اگر قائم، رستاخیز کند، آسمان، چنان‌که باید، ببارد و زمین گیاه برویاند. کینه‌ها از سینه‌ها بیرون رود. حتی حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. در آن روزگار، زن، با همه زیب و زیور خویش، از عراق درآید و تا شام برود، نه جایی زمینی بی‌سبزه بیند و نه درنده‌ای او را نگران سازد. [۴۴] .

عدالت فرهنگی فراگیر

دانش بشر امروز از جنبههای متعدد محدود است. اولاً این دانش یک بُعدی است؛ به این معنی که توجه خود را عمدتاً مصروف مادیات کرده است و از توجه به امور معنوی غافل است. ثانیاً این دانش در اختیار قدرت‌های سلطه‌گر و تولیدکنندگان آن است و

از انتشـار و عمـومی شـدن آن به شـدت جلوگیری می‌شـود. مگر آنگـاه که خود دانش پیشـرفته‌تری را در اختیـار بگیرنـد و در این صورت، فرمول‌های از رده خارج شـده را به کشورهای دیگر و با قیمت‌های گزاف، می‌فروشـند؛ اما در حکومت جهانی امام مهـدی (عج)، عقل و دانش بشـر شـکوفا می‌گردد و بدون هیچ محدودیتی در دست‌رس همه انسان‌ها قرار داده می‌شود.از امام باقر (ع) نقل شـده است «قـائم مـا، به هنگـام رسـتاخیز خویش، نیروهـای عقلانـی توده‌هـا را تمرکز دهـد و خردها و دریافت‌های خلق را به کمال رساند. [۴۵] .در زمان مهـدی به همه شـما حکمت و علم بیاموزنـد، تا آنجا که زنان، در خانه‌ها با کتاب خدا و سـنت پیامبر قضاوت کنند. [۴۶] .با توجه به آنچه آمد، می‌توانیم بر دستاوردهای ذیل تأکید کنیم:۱. عدالت در آموزه‌های اسلامی و قرآنی امری حقیقی است که در نظام تکوین و تشریع الهی جریان دارد و خداونـد انسان را مکلف کرده است که در نظام اجتماعی و سیاسـی نیز آن را برپا دارد.۲. تحقق عـدالت در جـامعه انسـانی مشـروط و منوط به این است که انسان مسـیر الهی را انتخاب کنـد. رهبران الهی، یعنی پیامبران، ائمه و اولیا، برای هـدایت انسان از مبـدأ تا مقصـد از سوی خداوند متعال و بر اساس لطف حضـرت حق مأموریت دارند.۳. حضـرت مهـدی، به عنوان بقیه الله و خـاتم اوصـیا، در تـداوم رسـالت پیامبران الهی و در پایان یک مرحله از تاریـخ، یعنی زمانی که انتظار بشر برای آمدن او در سطح جهان محقق شود، ظهور خواهد کرد و عدالت را در سراسر گیتی محقق خواهد نمود.رهبری نظام دین و دنیا به وسـیله حضـرت مهدی (عج) سبب تحقق عدالت در سطح قانون‌گذاری، ساختارها و نهادها، کارگزاران و عملکردها و به طور کلی تمام نظام اجتماعی خواهـد شد. تعادل و تعالی همه‌جانبه ویژگی نظام و جامعه و تمام کسانی است که رهبری معصوم و در واقع فرامین الله را می‌پذیرنـد.اللهم انـا نرغب الیـک فی دوله کریمه‌تعز بها الاسـلام و اهله‌و تـذل بها النفاق و اهله‌و تجعلنا فیها من الدعاه الی طاعتک‌و القاده الی سبیلک‌و ترزقنا بها کرامه الدنیا و الآخره‌و لله الحمد.

پاورقی

[۱] همان،ص ۱۶۷.

[۲] سید علی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، صص ۳۷ ـ ۳۸.

[۳] صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۱.

[۴] صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۱۴.

[۵] صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۱.

[۶] همان، ج ۱۵، ص ۲۱۷.

[۷] همان، ج ۱۶، ص ۲.

[۸] همان، ج ۱۳، ص ۱۳۰.

[۹] همان، ج ۱۶، ص ۲۶۸. [

[۱۰] همان، ج ۱۳، ص ۳ – ۲۶۲.

[۱۱] همان، ج ۱۷، ص ۲۰.

[۱۲] همان، ج ۱۷، ص ۱۳۳.

[۱۳] سوره نحل، آیه ۳۶؛سوره اعراف،آیه ۵۹؛سوره اعراف، آیه ۶۵؛ سوره اعراف، آیه ۶۶.

[۱۴] سوره مؤمن (غافر)، آیه ۵۱ و ۵۲.

[۱۵] برای مطالعه تفصیلی این دیدگاه‌ها نک. به: جین همپتن. فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، صص ۲۱ – ۸۱.

[۱۶] فی المثل ماکس وبر سعی کرده است تا بر اساس منبع مشروعیت از مشروعیت‌های سنتی، قانونی و کاریزماتیک یاد کند. نک: ماکس وبر، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران: مولی، ۱۳۷۴، ص ۴۰۰ – ۴۰۱.

[۱۷] سوره اعراف، آیات ۱۳۶ و ۱۳۹.

[۱۸] مثل آیه ۸۳، سوره یونس: ان فرعون لعالٍ فی الارض. نیز آیه ۴ سوره قصص: ان فرعون علا ـ فی الارض. این آیات دلالت بر عدم مشروعیت نظام سیاسی سرکشان و مفسدان دارد.

[۱۹] سوره مائده، آیه ۳۳.

[۲۰] آیها سید عبدالحسین لاری در رساله مستقلی که در دفاع از حکومت مشروطه مشروعه نوشته است آیات مربوط به ظلم را گردآوری کرده است. وجه استدلال چنین است که در اسلام ظلم حرام است. از طرف دیگر در تکلیف قدرت شرط است. از سوی دیگر ظلم موجود در حکومت سلطنتی استبدادی بیشتر از ظلم حکومت سلطنتی مشروطه است؛ ما مسلمان‌های ایران می‌توانیم و مقدورمان هست که سلطنت استبدادی را به سلطنت مشروطه تبدیل کنیم، پس واجب است که در جهت تقلیل ظلم چنین اقدامی را انجام دهیم. نک. به: سید عبدالحسین لاری، رسائل سید لاری، به کوشش: سید علی میرشریفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷، ۳ مجله، رساله آیات الظالمین. آدرس برخی از آیات به این شرح است: سوره مریم، آیه ۵۹؛ سوره نسأ، آیه ۱۶۰؛ شعرأ، آیه ۱۸؛ فرقان، آیه ۲۳؛ آل عمران، آیه ۵۷، ۸۶ و ۹۴. رساله آیات الظالمین در جلد یک مجموعه آمده است.

[۲۱] اشاره به آیه شریف ۶۶ سوره مائده دارد که در برگشت از حجه الوداع در غدیر خم بر حضرت ختمی مرتبت (ص) نازل شد: (یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغ ما أُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبّک وَ ان لَم تَفعَل فَما بَلَّغتَ رِسالَتَهُ).

[۲۲] برای بررسی بیشتر و تحلیل‌های گوناگونی که از این آیه صورت گرفته، نک. به: عبدالقادر حامد التیجانی، اصول الفکر السیاسی فی القرآن المکی، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، عمان، ۱۴۱۶. این کتاب توسط نگارنده در فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۷ معرفی شده است.

[۲۳] علامه سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، طهران، دار الکتب الاسلامیه، جلد ۴، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، صص ۴۱۳ – ۴۱۴.

[۲۴] سوره مائده، آیه ۵۵ نیز نک، به: حسن عباس حسن، الصیاغه المنطقیه للفکر السیاسی الاسلامی، بیروت، الدار العالمیه للطباعه و النشر، ۱۹۹۲، ص ۲۶۵.

[۲۵] سوره احزاب، آیه ۳۳.

[۲۶] سوره شورا، آیه ۲۳.

[۲۷] طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار مکتبه الحیاه، جلد ۲، ص ۱۳۵. به نقل از: شؤون و اختیارات ولی فقیه، (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع حضرت امام خمینی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).

[۲۸] نک. به: حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۸۴ – ۸۸.

[۲۹] نک. به: کوئن بروس، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲.

[۳۰] نک. به: حسین بشیریه، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه کاری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.

[۳۱] نک. به: حسین بشیریه، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، اندیشه‌های سیاسی مارکسیتی، جلد اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.

[۳۲] سید محمدباقر صدر، سنت‌های تاریخی در قرآن، قم، انتشارات اسلامی، بی‌تا، صص ۲۲۶ – ۲۴۶. امام خمینی، آیین انقلاب اسلامی، (گزیده‌ای از اندیشه و آرأ امام خمینی«ره»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۱).

[۳۳] برای تفصیل این بحث نک. به: داود فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، پیشین، صص ۲۰ – ۳۱.

[۳۴] عبدا جوادی آملی، ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت، قم، نشر اسرا، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱.

[۳۵] آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۱۰، قم، مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (ع)، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۳۵.

[۳۶] در سوره اعراف آیات ۵۹، ۶۵، ۷۳ و ۸۵ این پیام به ترتیب از زبان هود، صالح و شعیب آمده است. هم چنین در سوره مائده آیه ۷۲ از زبان مسیح خطاب به قومش آمده است. در سوره هود، آیه ۵۰، ۶۱ و ۸۴ از زبان هود، صالح و شعیب مجدداً تکرار شده است و در سوره نحل، آیه ۳۶ خداوند متعال این پیام را پیام همه پیامبران معرفی کرده است: (وَ لَقَد بَعَثنا فِی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولاً أنِ اعبُدُوا اللَّه).

[۳۷] نک. به: آیه‌الله سید علی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، پیشین، ص ۷۹ – ۸۶. در این صفحات نیروهای معارض حرکت پیامبران از منظر قرآن بررسی شده است.

[۳۸]؛ نیز بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

[۳۹] همان.

[۴۰] قرآن کریم.

[۴۱] الاختصاص، ص ۲۴.

[۴۲] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

[۴۳] همان، ص ۸۸.

[۴۴] بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

[۴۵] همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

[۴۶] همان، ص ۳۵۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹